

نمایشگاه «آناهیتا ابوترابی» در نگارخانه سهراب گشایش یافت/ «من آنم که نشانی ندارد» به روایت هفت هنرمند

نگارخانه سهراب از روز جمعه ۱۲ آبان ۱۴۰۲ پذیرای نمایشگاهی از آثار هنرمندی شده است که شیفته نقاشی کردن در محیط باز و طبیعت است و منظره‌های طبیعی، محور آثار جدید او را تشکیل می‌دهند.

آناهیتا ابوترابی در جدیدترین نمایشگاهش با عنوان «من آنم که نشانی ندارد» ۲۴ اثر ترکیب مواد را در ابعاد بزرگ و کوچک روی دیوارهای این نگارخانه برده است. بر خلاف نمایشگاه پیشین اش در همین نگارخانه که آثارش فضایی اکسپرسیو داشت و مبتنی بر فیگور بود، ابوترابی به سمت سطوح نرم حرکت کرده و رنگ‌های تخت و بافت‌های نرم در این مجموعه برجستگی دارد.

در مراسم گشایش این نمایشگاه، چهره‌های آشنای هنر همچون علی خسروی، مرتضی اسدی، بهمن نیکو، جمشید بایرامی، کوروش قاضی مراد، رضا حسینی، فیروزه بختیاری، علیرضا آدمبکان، مهین منفرد، سعید امکانی، لیلیا منتظری، محمدرضا هاشمی نژاد، عیسی جباری، علی گل‌باز، هادی هادی نژاد، حمید فتوحی، حسین نخعی و حضور داشتند.

این هنرمند نقاش با رفتن به طبیعت، احساسات آشنایی را درک می‌کند که در شهر و بین انسان‌ها قابل درک و دریافت نیست. در این باره می‌گوید: «از زیبایی طبیعت سرمست می‌شوم و طبیعت برایم معنایی عجیب دارد و مکانی بس عجیب‌تر است برای جدا شدن از هر آنچه آزارم می‌دهد و من را گیج می‌کند. در خلال این سال‌ها دریافته‌ام که این طبیعت نیست که به اصلاح و کمال نیاز دارد، بلکه این ماییم که نیازمند تغییر هستیم و باید خود را با آن وفق دهیم. من بر این باورم که باید در قبال طبیعت نیست شد و این، همان دلیل و راهی است که هنرمند باید به سراغ طبیعت برود.»

-یک شروع خوب برای آناهیتا ابوترابی

کوروش قاضی مراد، خوشنویس و طراح گرافیک جزو اولین بازدیدکنندگان است که با اشاره به تفاوت این نمایشگاه با نمایشگاه قبلی هنرمند در همین نگارخانه، می‌گوید: «نسبت به کارهای گذشته به نظرم فضاها به لحاظ نور و رنگ بندی کاملاً تغییر کرده است. ضربه‌ها و انرژی‌های دست‌اش خیلی متفاوت شده است؛ خصوصاً در یکی از تابلوهای بزرگ نمایشگاه شاهد این ویژگی هستیم و به نظرم که یک شروع خوب برای آناهیتا ابوترابی است.» قاضی مراد در توصیف فضای کارهای جدید این هنرمند می‌افزاید: «فضایی که کار کرده مخصوصاً نور باعث شده هر تابلو جلوه متفاوتی بیابد و خصوصاً سه، چهار تابلوی بزرگ فوق‌العاده هستند. هنرمند وقتی کار بزرگ تولید می‌کند، مخاطب ارتباط بهتری با اثر او برقرار می‌کند. انرژی و ضرب قلم و حرکت در این کارهای بزرگ تأثیر گذار است.» این هنرمند درباره وجه تمایز آثار این هنرمند با آثار مشابه در فضای امروز تجسمی، تصریح می‌کند: «چیزی هست که آدم در کارهای مشابه هم می‌بیند و در این فضا چند نفری به این سیاق کار می‌کنند؛ ولی به نظرم دو سه کار در این نمایشگاه هست که من در کار کسی ندیده‌ام و نمونه ندارد. ژانرشان با بقیه آثار فرق دارد. به نظرم نمایشگاه چند وجه خوب دارد. چیدمان آثار خیلی خوب است و انتخاب این که کدام تابلو با کدام رنگ کنار کدام اثر باشد را من در گالری‌های دیگر کمتر دیده‌ام.»

-از نگاه عکاس

جمشید بایرامی عکاسی است که به گفته خود سراسر ایران را دوربین به دست زیر پا گذاشته و همین آشنایی با طبیعت ایران زمین، سبب شده با آثار این نمایشگاه ارتباط بهتری برقرار کند. بایرامی با تأکید بر این که ابعاد بزرگ این آثار برایش جالب توجه است، می‌افزاید: «برخی هنرمندها روی ابعاد آثار خود دقتی ندارند. ابعاد آثار این نمایشگاه حائز اهمیت است. از سوی دیگر فضاهای عالی ایرانی در این تابلوها دیده می‌شود که خیلی برایم آشنا هستند. قدرت قلم ایشان هم خوب و انتخاب رنگ‌ها فوق‌العاده است. صدای پرنده‌ها که خود هنرمند در طبیعت

ضبط کرده و در روز افتتاحیه در فضای گالری پخش می‌شد، باعث شد خیلی با کارهای نمایشگاه ارتباط برقرار کنم و مرا ببرد به فضای طبیعت. این آثار در عین سادگی بسیار عمیق هستند و حتی جنبه‌های دکوراتیو و هنری‌شان برای نصب در اماکنی همچون لابی هتل‌ها عالی است. مدت‌ها بود نقاشی‌هایمان اغلب بیجان یا انتزاعی بودند. در عین حال این کارها خیلی منطبق با روحیات خود هنرمند است. خیلی هنرمندها چیزهایی که می‌کشند خودشان نیستند ولی این، خودِ خودش است!»

-هنرمندی که مملو از هیجان است

علی خسروی، گرافیست و نقاش پیشکسوتی است که آثار ابوترابی را از سال‌ها پیش دنبال کرده است؛ از نخستین آبرنگ‌هایی که او در گالری گلستان به نمایش گذاشت. خسروی درباره این هنرمند می‌گوید: «شیفته آن کارهای آبرنگ بسیار زیبا بودم. بعداً که بوم را کشف کرد با رنگ آکرلیک روی بوم کار می‌کرد و آن مجموعه هم عالی بود. اصولاً ابوترابی نقاش طبیعت گراست و خودش مملو از هیجان است و ضربه‌های قلمی را از هیجان روی بوم می‌گذارد. نقاش‌های فیگوراتیو او در نمایشگاه سال پیش اش هم زیبا بودند؛ ولی جذابیت کارهایی که این دفعه در این نمایشگاه به نمایش گذاشته، برایم از این لحاظ است که قدری آرام‌تر شده است. ضربه‌های قلم اش قوی و امپرسیون کارها عیان است و کاملاً دیده می‌شود؛ هر چند من به شخصه منظره‌های شکل‌گرا را بیشتر می‌پسندم. همیشه برای ایشان به عنوان یک نقاش حرفه‌ای و کسی که از هیجان‌های یک هنرمند برخوردار است و کارهایش را بر مبنای شناخت خود و نه تقلید از دیگران اجرا می‌کند، احترام زیادی قائلم.»

-رو به جلو است

رضا حسینی، نقاش نیز با بیان این که ابوترابی هنرمند توانمندی است که یک جا نمی‌ماند و مدام در حال کنکاش و پژوهش و گشت و گذار در رنگ و طرح و دشت و دمن است؛ درباره کارهای این نمایشگاه می‌گوید: «کارهایش را که نگاه کنید می‌بینید آثار طبقه پایین نمایشگاه با آثار طبقه بالا متفاوت است. البته من شخصاً به لحاظ روحی و سلیقه‌ای با کارهایی که کمتر فیگوراتیو است بیشتر انس و علاقه دارم که در کارهای طبقه پایین تعدادی از این قبیل کارها را

دیدم و لذت بردم. در مجموع فکر می‌کنم هنرمندی است که رو به جلو حرکت می‌کند و این، خیلی خوب است.»

– حس معلق بودن

محمدرضا هاشمی نژاد، طراح گرافیک به گفته خود به عنوان یک مخاطب حرفه‌ای و نه یک نقاش یا منتقد، این نمایشگاه را تحلیل می‌کند. او درباره این آثار می‌گوید: «سلسله کارهایی که در این نمایشگاه دیده‌ام، ادامه کارهایی است که ابوترابی در طبیعت جستجو می‌کند. برخی کارها خیلی موفق و خوب هستند، بعضی دیگر یک تعلیقی در آنها هست که این معلق بودن می‌تواند یک جاهایی اثر را به اوج برساند و در ذهن مخاطب کامل شود. هنرمند برخی کارها را بسته است و وقتی شما آن را می‌بینید، همان چیزی است که نقاش خلق کرده و در همان جا متوقف می‌شود؛ ولی برخی کارها چنین نیستند و مخاطب درگیرشان می‌شود و می‌خواهد ارتباط بیشتری برقرار کند.»

این طراح گرافیک در ادامه اضافه می‌کند: «ضمن این که آدم احساس می‌کند با یک نقاش با سابقه و حرفه‌ای رو به روست؛ تازگی مواجهه یک انسان با طبیعت نیز در این مجموعه به چشم می‌خورد. ابوترابی به زعم من، نقاشی است که مرتب جستجو و کشف می‌کند و نقاش تمام شده‌ای نیست.»

– تغییر ماهیتی عمیق و رو به مثبت

حمید فتوحی مجسمه ساز، آناهیتا ابوترابی را از سالیان قبل که آبسترکت مطلق کار می‌کرد می‌شناسد. درباره او می‌گوید: «آبسترتهایش اتفاق متفاوتی بود تا این که در یکی دو دوره که با چند نفری شروع به تجربه و کار کرد، آبستره‌اش تغییر ماهیتی عمیق و رو به مثبت پیدا کرد. من نقاشی‌های دوره قبل اش را خیلی موفق نمی‌دانم؛ اما شیفت از آن آبستره به نمایشگاه فعلی را موفق می‌دانم. در نمایشگاه قبلی این میزان موفقیت را نداشت؛ ولی الان به نظرم تثبیت شده و به نظرم باید همین را ادامه دهد تا به کیفیت مورد نظرش برسد.»

آدمبکان: طبیعت از نگاه هر هنرمندی متفاوت است

علیرضا آدمبکان، نقاش نیز درباره این هنرمند می‌گوید: «خانم ابوترابی سالیان سال است فعالیت می‌کنند؛ از دوره‌ای که آبرنگ کار می‌کردند تا دوره‌های میانی که بر فیگوراتیو متمرکز بودند و الان هم مجموعه منظره‌هایشان را نمایش داده‌اند. با ایشان آشنا بوده‌ام و در مراودات کاری نقد و بررسی داشته‌ایم. در این دوره درست است که فضاها منظره و لندسکیپی هستند و احساس می‌کنم خیلی‌هایشان هم در محیط کار شده‌اند؛ ولی همچنان شمه‌ای از آن کارهای فیگوراتیو قبلی‌شان را دارند. فقط رویکردشان به رفتار نقاشانه -نسبت به مجموعه قبلی- متفاوت شده است. در فضای فیگوراتیو، آن کیفیت اکسپرسیو حاکم بود و جنس رنگ‌ها و رفتار و اتمسفری که ایجاد می‌کردند با این مجموعه خیلی متفاوت بود.»

آدمبکان در تحلیل رویکرد هنری ابوترابی در مجموعه جدید او می‌افزاید: «از یک لحاظ این مجموعه از مجموعه قبلی‌شان جلوتر است؛ رنگ‌ها سر جای مناسب قرار گرفته و با همدیگر گفتگو می‌کنند. صرفاً آن هیجان‌های رنگی که در آثار فیگوراتیویشان وجود داشت در این مجموعه وجود ندارد و رنگ‌ها به یک ثبات و حتی کنش نقاشانه به یک ثبات رسیده است.»

این هنرمند نقاش درباره این که آیا ابوترابی در مجموعه جدیدش نگاه عرفی به منظره دارد یا خیر، بیان می‌کند: «مسئلاً شما چه در طبیعت کار کنید، چه در خارج از آن بر اساس فضای ذهنی یا از مدیوم عکاسی استفاده کنید، رفتار و نگاهتان فضای ذهنی خودتان را انتقال می‌دهد و این، طبیعی است. وقتی شما می‌گویید نگاه عرفی، باید ببینیم این نگاه عرفی بر اساس چه نوع زیبایی‌شناسی‌ای است؟ مسلماً هنرمند و نگاهش که روی بوم انتقال می‌یابد، واسطه است؛ ولی در نگاه عرفی ممکن است عموم آدم‌ها طبیعت را جور دیگری ببینند که یک نقاش حرفه‌ای نبیند و این، می‌تواند نقطه نظر متفاوت اش باشد؛ به رغم آن که ممکن است یک جاهایی اشتراک‌هایی نیز وجود داشته باشد. یک چشم انداز و گندمزار، ممکن است در نگاه عرفی دیده شود؛ اما تفاوت آنجا به چشم می‌آید که شاهد ضربه‌های قلم و انتخاب رنگ‌های فام گونه از سوی نقاش حرفه‌ای هستیم. اینجا ممکن است با رنگی در تابلوی این هنرمند حرفه‌ای مواجه

شویم که در طبیعت وجود نداشته باشد. این تفاوت نگاه، طبیعت را از نگاه هر هنرمندی متفاوت می‌کند، و وجه جذاب ماجرا نیز همین است. مجموعه ابوترابی به نظرم این ویژگی را دارد و این، بخش موفق کار اوست.»

سخنی نمانده، جز آن که باید به تماشای منظره نشست و به اعماق آن سفر کرد؛ شاید بتوان به حقیقت هنرمندی رسید که نشانی ندارد. نقاشی‌های این بی‌نشان، تا ۲۳ آبان ۱۴۰۲ در نگارخانه سهراب به نشانی خیابان سمیه، بین مفتح و رامسر، شماره ۱۴۲ به تماشاست.